

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی الله علی محمد وآله الطاهین

مطالعات قرآنی و حدیث

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال سوم، شماره دوم / بهار و تابستان ۱۳۸۹

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سردبیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی استاد دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عبدالهادی فقهی زاده دانشیار دانشگاه تهران
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر محمود کریمی

ویراستار ادبی: محمد جانی پور

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۱۹۲ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

<http://quran.sadiqjournals.ir>

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

<http://mag.isu.ac.ir>

E-mail: mag@isu.ac.ir

رویکردی دینی به مناسبات عدالت و کارآمدی نظام سیاسی

صدیقه لکزایی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۵

چکیده

نوشته حاضر سعی دارد، عدالت اسلامی را در مفهوم شایسته سالاری و نقش آن را در کارآمدی نظام سیاسی با تکیه بر آیات قرآن و برخی روایات بررسی کند. مدعای مقاله این است که کارآمدی و توسعه در یک نظام سیاسی و اجتماعی تنها زمانی ایجاد می‌شود که افراد لایق و شایسته روی کار آمده و شایسته سالاری مبنای باشد.

به منظور بررسی مدعا در آغاز به تعریف عدالت توجه شده است. در تعاریف اسلامی، عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیز در جای خود. نتیجه این نوع عدالت رضایت‌مندی مردم، ثبات و توسعه نظام سیاسی و مدیریتی است. در کنار این نوع عدالت، وجود یک قانون متناسب و مطابق با نیازهای انسان که بتواند روابط میان انسان‌ها را بر اساس تعادل سامان دهد، لازم و ضروری است.

هدف اصلی در مقاله حاضر، بررسی این موضوع در یک حکومت الهی و دینی است. نگارنده در پی آن است که بر اساس نظریات آیت الله مطهری و با استنباط از قرآن و برخی روایات، نگاهی دوباره به مفهوم عدالت اجتماعی بیندازد که می‌تواند در کارآمدی و ثبات نظام سیاسی و مدیریتی به عنوان یک اصل اساسی، برای هر نظامی، نقش بسیار تعیین‌کننده داشته باشد.

واژگان کلیدی

عدالت، شایسته‌سالاری، نظام سیاسی، کارآمدی، قانون

طرح مسئله

از منظر قرآن حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی به دو دسته دینی و غیر دینی تقسیم می‌شوند و هر کدام از این حکومت‌ها بر اساس نوع جهان‌بینی و فلسفه سیاسی خود، ویژگی‌ها، اهداف و خواسته‌های متفاوت و متعارضی را دنبال می‌کنند. در هر حکومتی، مردم به دو دسته اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شوند که همیشه اکثریت عظیم جامعه را توده مردم تشکیل می‌دهند. این عده معمولاً از امکانات رفاهی کمتری برخوردارند، اما در مقابل گروه اندک دیگری هستند که از امکانات مادی و رفاهی فراوانی برخوردارند و برای خود به دلایل غیر موجه شخصیت و امتیازی خاص نسبت به عامه مردم قائلند. حاکم باید طوری رفتار کند که بتواند به نفع هر دو دسته حکم صادر کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۴).

به عبارت بهتر، عدالت و انصاف را در مورد هر دو دسته اجرا نموده و رضایت آنان را کسب کند. این مهم حاصل نمی‌شود مگر در صورتی که افراد لایق و شایسته‌ای روی کار بیایند و مناصب را بر اساس لیاقت و میزان توانایی و استعداد خود کسب کنند و از این طریق بتوانند به عدالت و شایستگی در یک نظام سیاسی و اداری عمل نمایند. عدالت در تعاریف اسلامی قرار گرفتن هر چیز در جای خود عنوان شده است. همچنین آیت الله مطهری و افلاطون در تعریف عدالت اجتماعی بیان می‌کنند: اگر در یک جامعه مناصب به صورت درست، یعنی بر اساس لیاقت و شایستگی و تخصص افراد به آن‌ها واگذار شود، عدالت در بعد اجتماعی، سیاسی و اداری به طور کلی ایجاد می‌شود. نتیجه این نوع عدالت رضایت‌مندی مردم و نیز پایداری و توسعه نظام سیاسی است. در کنار این نوع عدالت، وجود یک قانون خوب و مطابق با نیازهای انسان که بتواند روابط میان انسان‌ها را بر اساس تعادل سامان دهد ضروری به نظر می‌رسد.

آنچه در این مقاله به عنوان هدف اصلی دنبال می‌شود عدالت در حکومت الهی و دینی است. لذا نگارنده با مراجعه به کتب گوناگون و به ویژه متون دینی، «عدالت اسلامی در مفهوم شایسته‌سالاری را در کارآمدی و پایداری نظام سیاسی و مدیریتی» بر اساس نظریه عدالت مطلق و اجتماعی آیت الله مطهری بررسی می‌نماید. قبل از هر بحثی تبیین مفهوم عدالت ضروری به نظر می‌رسد.

۱. مفهوم عدالت

تعاریف مختلفی از عدالت ارائه شده است، راغب اصفهانی می‌گوید: عدل و عدالت به معنای مساوات و تقسیم کردن به صورت مساوی است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۳۳۶). البته این جا مساوات به معنای برابری نیست.

همچنین بر اساس آیات قرآن، برای مفهوم عدالت مترادف‌هایی وجود دارد که در واقع هر کدام بخشی از معنای عدالت را شامل می‌شود. از جمله قسط، وسط، انصاف و عدل که در مقابل ظلم می‌آید. لذا در بازشناسی معنای عدالت و عدل توجه به مفهوم ظلم که نقطه مقابل آن است، اهمیت می‌یابد. ظلم در مفهوم اسلامی ابعادی گسترده دارد که مهمترین آن شامل: رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خویش، رابطه انسان با انسان‌ها و با ملت‌های دیگر است. انجام اعمال ظالمانه در جامعه باعث از بین رفتن عدالت می‌شود.

امام علی در حکمت ۴۳۷ نهج البلاغه عدالت را این گونه تعریف می‌کند: «وضع کل شی فی موضعه»؛ قرار دادن هر چیز در جای مناسب خودش. همچنین علامه طباطبایی عدالت را در معنای «اعطاء کل ذی حق حقه»؛ رساندن حق به حق دار و استیفای حقوق به میزان استحقاق تعریف می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۷۱). از ترکیب این دو تعریف می‌توان عدالت را این گونه تعریف کرد: عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به حق دار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها و شایستگی‌ها.

در نظر آیت الله مطهری عدالت به دو نوع کلی عدالت مطلق و عدالت اجتماعی تقسیم می‌شود: عدالت مطلق، تعریف عدالت به اعطای حقوق است؛ زیرا حق امری ماقبل اجتماعی است و قبل از وجود جامعه و ارتباطات بشری و در حالتی که انسان به تنهایی زیست نماید نیز متصور است. عدالت اجتماعی با مفهوم برابری عجین شده است (مطهری، ۱۳۷۹، صص ۵۹-۶۱).

از آنجا که تحقق برابری به تنهایی کافی نیست و با مشکلاتی مواجه می‌گردد، اعطای حقوق و در نظر گرفتن شایستگی‌ها و لیاقت‌های افراد نیز در مفهوم عدالت اجتماعی به کار گرفته می‌شود و از نظر آیت الله مطهری برابری به تنهایی، اولاً

امکان‌پذیر نیست؛ زیرا همه موجبات سعادت در اختیار انسان قرار ندارد و حتی اگر از لحاظ مادی امکان چنین کاری وجود داشته باشد، به لحاظ معنوی امکان‌پذیر نیست. ثانیاً بر هم زننده اجتماع است؛ زیرا تمامی انسان‌ها در شرایط روحی و جسمی همسانی قرار ندارند و در خلقت نیز مساوی آفریده نشده‌اند (مطهری، ۱۳۷۰، صص ۳۰۵-۳۱۰). از نظر ایشان مقتضای عدالت این است که تفاوت‌های موجود در اجتماع، مناصب اجتماعی، سیاسی و اداری باید تابع استعداد و لیاقت افراد باشد. بنابراین تعریف مقبول و جامع عدالت تعریفی خواهد بود که برابری و احقاق حقوق افراد در ابعاد فردی، اجتماعی و شغلی انسان‌ها را با هم داشته باشد. چنین امری به تعبیر آیت الله مطهری مفهوم توازن و تعادل اجتماعی را نیز در بر خواهد داشت (ر.ک: جمعی از محققان، ۱۳۸۶). در نهایت تحقق این امر میسر نیست مگر با مراجعه به یک قانون قوی و سازگار با نیازها و خواسته‌های انسان، که همانا قانون خداوند است. بر اساس آنچه آمد می‌توان عدالت به معنای مد نظر را در یک نظام اسلامی در چهار عرصه قابل تعریف و تبیین دانست:

الف) در تکوین و نظام خلقت؛

ب) در تشریح و قانون‌گذاری؛

ج) در تدبیر و نظام اجرایی؛

د) در منش و روش زندگی فردی و اجتماعی.

بنابراین برخلاف نظام‌های غیردینی، در نظام سیاسی و مدیریتی اسلام اصل برابری و عدالت در مفهوم شایسته‌سالاری به عنوان اصل اساسی مطرح بوده و تأمین فرصت و امکانات برابر برای همه افراد حاکم است. (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷). آنچه سبب برتری یک فرد بر سایر افراد می‌گردد قدرت و ثروت و ... نیست، بلکه عواملی چون تقوی، جهاد، علم و عمل صالح است. که دریافت آن‌ها برای همه افراد با هر هویت و موقعیت اجتماعی میسر بوده و در اختیار گروه خاصی قرار ندارد.

عدالت در یک نظام اجتماعی و سیاسی را می‌توان در چند سطح دسته‌بندی و بررسی نمود. اجرای درست و دقیق این سطوح و موارد از عدالت می‌تواند موجبات سلامت، ثبات و پایداری یک نظام سیاسی و مدیریتی را در سطح کلان به وجود آورده

و موجبات ترقی و توسعه جامعه را به همراه داشته باشد. لذا مهمترین سطوح عدالت اجتماعی از منظر اسلام در یک نظام سیاسی و اداری عبارتند از:

۱- عدالت در سطح نظام سیاسی؛

۲- عدالت در سطح قانون؛

۳- عدالت در سطح کارگزاران.

در میان این سطوح، عدالت در سطح کارگزاران به عنوان مجریان اصلی نظام سیاسی و مدیریتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا به دو مقوله اول به صورت اجمالی و به بحث سوم تقریباً به دلیل اهمیت به تفصیل توجه می‌گردد.

۲. عدالت در سطح نظام سیاسی

هر یک از نظام‌های سیاسی، بر جهان‌بینی، اعتقادات و نظام فکری خاصی بنا گردیده است و بر همین اساس، بنیان‌ها، اهداف و اصول حرکت نظام، نیز ساختارها و خط مشی‌ها شکل می‌گیرند. با توجه به آیات قرآن در کامل‌ترین سطح دو نوع نگاه به هستی و دو دسته باور در نظام فکری وجود دارد که جامع همه دیدگاه‌های بشری است. این دو نگاه عبارتند از جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی، هم‌چنان که قرآن می‌فرماید:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷)؛ خدا یار اهل ایمان است. آنان را از تاریکی‌های جهان بیرون آورد و به عالم نور برد؛ و آنان که راه کفر برگزینند یار ایشان شیطان است آنان را از عالم نور به تاریکی‌های گمراهی درافکند.

از این رو، مبانی نظام سیاسی در این دو جهان‌بینی در مقولات اساسی چون هستی‌شناسی و انسان‌شناسی متفاوت می‌شود.

قبل از ورود به بحث مبانی نظام سیاسی در اسلام، تعریف نظام سیاسی لازم به نظر می‌رسد. نظام سیاسی عبارت است از «کیفیت تنظیم، سازماندهی و اداره‌ی امور ارتباطی، فرهنگی و اقتصادی هر اجتماع انسانی برای دستیابی به رشد مطلوب» (نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

تعریف مذکور از نظام سیاسی دارای ویژگی‌های زیر است:

الف) نظام سیاسی و اداری جنبه نرم‌افزاری دارد و بیشتر به تئوری نزدیک است البته یک تئوری جامع و قوی که به سازماندهی امور مختلف جامعه توجه دارد. بنابراین کلی و غیر متین است.

ب) مقید به زمان و مکان نیست؛ یعنی مخصوص زمان خاصی نیست و ممکن است که در زمان‌های مختلف تحقق پیدا کند. همچنان که قابلیت پیاده شدن در مناطق مختلف و اجتماعات گوناگون را نیز دارد.

ج) نظام سیاسی و اداری که رویکرد آن برقراری نظم و ساماندهی سیاسی و اجتماعی است، موضوعاً متناسب با مفهوم عام سیاست است. بدین معنا که نه تنها امور سیاسی، اجتماعی و ارتباطی به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های امور اجتماعی محسوب می‌شود؛ بلکه تنظیم و اداره امور جامعه را اعم از امور ارتباطی، اقتصادی و فرهنگی در بر می‌گیرد. همچنین برقراری ارتباط منطقی بین این سه عرصه، ماهیت مدیریتی کلان و سیاسی دارد که در غالب حکومت‌ها مطرح می‌شود.

د) توجه به امر رشد به عنوان هدف تغییر اجتماع؛ باید توجه داشت که رشد، کمال و سعادت در دیدگاه اعتقادی هر مکتبی چگونه تعریف می‌شود. گاه رشد و تعالی به ارزش‌های الهی و خصال والای انسانی اطلاق می‌شود (مثل حکومت دینی) و در نگاهی دیگر تنها به تلذذ و بهره‌وری فزون‌تر از دنیا و امکانات مادی خلاصه می‌شود (مثل حکومت طاغوتی) (نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۴۱).

بنابراین در دیدگاه‌های مختلف رشد و تعالی می‌تواند با مفاهیم و معانی گوناگون مطلوبیت پیدا نموده و هدف نظام سیاسی قرار گیرد. البته تعاریف متعدد دیگری نیز از نظام سیاسی شده که مورد نظر ما نیستند.

۲-۱. مبانی نظام سیاسی در اسلام

نظام سیاسی اسلام بر اساس جهان‌بینی الهی پی‌ریزی شده است که دارای دو مبنای اصلی می‌باشد: مبانی هستی‌شناسی و مبانی انسان‌شناسی.

۲-۱-۱. مبانی هستی‌شناسی

کلی‌ترین چارچوب معرفتی در هر جهان‌بینی، هستی‌شناسی است که در آن زیرساخت‌های ادراکی و اعتقادی شکل می‌گیرد. از جمله موضوعاتی که باید ریشه آن را در هستی‌شناسی پی‌گیری نمود، اندیشه سیاسی، خاصه نظام سیاسی است. در جهان‌بینی الهی، مسائلی از هستی‌شناسی وجود دارد، که به عنوان زیربنای نظام سیاسی شناخته می‌شود و عبارتند از:

۲-۱-۱-۱. اختصاص حاکمیت به خداوند

قرآن که جامع‌ترین منبع الهی است مصدر حاکمیت را تنها خدای متعال می‌داند و در موارد متعدد می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام: ۵۷؛ یوسف: ۶۷ و ۴۰)؛ فرمان و حکم نیست، مگر برای خدا.

۲-۱-۱-۲. نیازمندی به وحی در تنظیمات اجتماعی

در نظام سیاسی، اجتماعی و اداری که بر اساس اسلام شکل می‌گیرد نه تنها جهت‌گیری و ساختار بلکه در بعد قوانین، برنامه‌ریزی و برقراری تنظیمات اجتماعی نیز لازم است که با وحی و دستورات الهی مطابقت داشته باشد. که در واقع همان قانون الهی است.

۲-۱-۱-۳. دنیا و آخرت گستره توسعه در نظام الهی

نظام الهی دو نوع زندگی را برای انسان به رسمیت می‌شناسد؛ زندگی در دنیای مادی و این جهان و زندگی در جهان آخرت که هر کدام از اینها کارویژه‌های خود را دارند. دستورات قرآن کریم بر این مبنا استوار است که توشه آن جهان در این جهان مادی فراهم می‌شوند. از این رو نظام سیاسی مردم را باید به سوی کمال و سعادت در این دنیا و جهان آخرت رهنمون سازد.

۲-۱-۱-۴. معادگرایی و خودکنترلی

چون زندگی انسان به این دنیا محدود نمی‌شود و باور به این حقیقت که مردن انتقال از یک نقص به کمال است. همین باور انسان را از لغزش‌ها باز می‌دارد. در او تقوایی ایجاد می‌کند که عامل کنترل درونی در مقابل تعدی و تجاوز به حقوق دیگران است.

علاوه بر آن توجه به وجود عوامل نگهدارنده اجتماعی چون امر به معروف و نهی از منکر، حس مسئولیت نسبت به سرنوشت دیگران در جامعه اسلامی، نقش تعیین کننده حکومت در حفظ و حراست افراد و جامعه از انحطاط و انحراف، مکمل عامل کنترل درونی بوده و صیانت جامعه اسلامی را تضمین می‌کند. (نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۹۱-۹۷).

۲-۱-۲. مبانی انسان‌شناسی

در جهان‌بینی الهی، دو مسأله کلیدی یعنی ابعاد وجودی انسان و توسعه انسانی از جمله مسائلی هستند که به عنوان مبانی انسان‌شناسی مورد توجه می‌باشند.

۲-۱-۲-۱. ابعاد وجودی انسان

وجود انسان از سه زاویه قابل شناسایی است. از یک سو دارای بعد فیزیکی و جسمی است. از سوی دیگر وجود ناپیدا یعنی همان بعد روانی را می‌سازد. به علاوه عامل ارتباط میان این دو «بعد ذهنی» اوست که هماهنگی میان رفتارها را بر عهده دارد. و نیز زمینه‌های راهبری روح بر جسم و رفتار عینی را فراهم می‌سازد. در جهان‌بینی الهی با آنکه ابعاد وجود انسان در ساختن شخصیت و رفتار انسانی با هم همکاری دارند ولی سهم تأثیر این ابعاد در تکوین یک رفتار متفاوت است. چنان‌که نقش اصلی را تمایلات و گرایش‌ها ایفا می‌کنند.

از این رو نظام سیاسی که بر اساس جهان‌بینی الهی شکل می‌گیرد نقش به‌سزایی در هدایت، رهبری و رساندن او به کمال مطلوب دارد.

۲-۲-۱-۲. توسعه انسانی

توسعه انسانی در جریان تکامل و روند هدفمند نظام هستی ناظر به حرکت انسان است و می‌تواند از طریق اکتساب معارف نیز پرورش استعدادها و ارزش‌های روحی و معنوی خود را به مرحله کمال برساند. بنابراین در جهت فعلیت این کمال در جهان‌بینی الهی متناسب با رشد و تکامل انسان، نظام سیاسی الهی مورد نیاز می‌باشد تا با بسترسازی و فراهم کردن شرایط مساعد کمال و توسعه انسانی تحقق یابد (نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۹۷).

۲-۲. اهداف نظام سیاسی در اسلام

هر نظام سیاسی که تشکیل می‌شود، دارای کارویژه‌ها و اهدافی است. لذا در جهت تحقق اهداف خود قدم بر می‌دارد. برخی نظام‌های سیاسی هدفشان رسیدن به آزادی، برخی دیگر عدالت. اما نظام سیاسی اسلام دارای اهداف خاصی است که صرفاً محدود به این دنیای مادی نیست بلکه جنبه‌های الهی و معنوی دارد. با استفاده از مستندات قرآنی اهداف نظام سیاسی در اسلام را می‌توان این گونه برشمرد؛

۲-۲-۱. هدایت انسان در جهت قرب به خدا

در واقع این مهم‌ترین هدف نظام سیاسی است که اهداف دیگر هم در جهت رسیدن به این هدف دارای ارزش و مقام می‌شوند.

۲-۲-۲. خدمت به مردم و تحقق عدالت

با تحقق عدالت در جامعه اسلامی زمینه عبودیت و بندگی خدا و تحقق فرامین الهی به عرصه ظهور می‌رسد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۳۵)؛ رسولان خود را با دلایل روشن ارسال کردیم و با آنان کتاب و میزان فرستادیم تا برای مردم قسط و دادگری بپا دارند.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (نحل: ۹۰)؛ همانا خدا خلق را فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و ظلم نهی می‌کند.

۲-۲-۳. ایجاد نظم و برقراری امنیت در جامعه

اگر در جامعه اسلامی بر اساس احکام خدا عمل شود. عدالت اجرا می‌شود و در سایه اجرای عدالت مردم از امنیت برخوردار می‌گردند. در هر نظام سیاسی اگر مبنا احکام الهی باشد و قرب به خدا هدف قرار گیرد عدالت و امنیت افراد تضمین می‌شود.

۲-۴. مبارزه با موانع و تهدیدات موجود بر سر راه جامعه اسلامی

در آیات قرآن عناصری چون طاغوت، ملأ، مترفین، احبار و رهبان از موانع رسیدن به خدا به حساب آمده‌اند. نام‌هایی چون فرعون، هامان، قارون و ابلیس و حمیت جاهلی و هواهای نفسانی بر هر کسی که با قرآن آشنا باشد آشناست (خامنه‌ای، بی تا، صص ۷۹-۸۶).

همواره در طول تاریخ موانع فراوانی بر سر راه جوامع دینی وجود داشته‌اند. اما خداوند هواره مومنان را به تلاش دعوت می‌کند و می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نسا: ۱۴۱)؛ خدا هیچگاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نمی‌کند.

۲-۳. جایگاه عدالت در بقای نظام سیاسی

اساس حاکمیت و حکومت در قرآن عدل است و اگر نظام سیاسی اسلام عمل به عدالت را در ابعاد فردی و اجتماعی سرلوحه قرار دهد. این هدف باعث بقا، قوام جامعه و پایداری حکومت است و در همه منابع و اندیشه‌های اسلامی عمل به عدالت مایه تثبیت و استحکام نظام سیاسی به شمار آمده است. برای نمونه حضرت علی(ع)، عدل را فضیلت سلطان، سپر نگه‌دارنده دولت‌ها، مایه اصلاح رعیت، باعث افزایش برکات، مایه حیات احکام و مأنوس خلائق دانسته و حکومت را مشروط به عدالت گستری و نظام آفرینش را مبتنی بر عدل می‌داند از این دیدگاه ملاک حکمرانی عدل و قوی‌ترین بنیان عدالت است بنیانی که قوام عالم به آن است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۴، ج ۶، صص ۷۸-۹۰).

در سیره امام علی(ع) نیز رعایت عدالت چه در عرصه عمل و چه در عرصه انتخاب افراد شایسته به خوبی مشاهده می‌شود و ایشان رعایت عدالت را در هر شرایطی ضامن امنیت و حفظ نظام سیاسی و مایه روشنی چشم زمامداران و رسوخ محبت آنان در دل مردم می‌دانند. ایشان در نامه مشهور خود به مالک اشتر می‌فرماید: «تحقیقاً بهترین چیز برای حاکمان اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است؛ و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه‌هایشان به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان» (شریف رضی، ۱۳۷۵، نامه ۵۳، ص ۹۸۸).

عدل محوری در نظام سیاسی باعث می‌شود که مردم به آنچه می‌خواهند برسند و برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود راه‌های معتدل و منطقی را انتخاب و طی کنند. وگرنه یأس از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلافت‌کاری، تضعیف اخلاق عمومی و از هم‌پاشیدگی اجتماعی خواهد کشانید که نتیجه آن تزلزل در ثبات نظام سیاسی و مدیریتی است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱، ص ۹۷).

رعایت عدالت در سطوح مختلف نظام سیاسی یعنی در سطح قانون، کارگزاران و ساختار نتایج مثبت زیادی را در پی دارد. این آثار برای رهبران جامعه اسلامی موجب پیاده شدن هر چه بهتر قوانین و احکام در سطح جامعه، عمل به دستورات الهی، نافذ شدن حکم حاکمان و رعایت حقوق فردی و اجتماعی در جامعه، استقلال و بالا رفتن توان و قدرت نظام اسلامی، عامل وحدت در جامعه اسلامی و برخورداری مردم از امکانات موجود در جامعه به نحو خوب نیز به وجود آمدن اعتماد و همکاری متقابل در سطح نظام و جامعه را در پی خواهد داشت. هیچ چیزی به اندازه عدالت جامعه و نظام سیاسی را قدرت و بقا نمی‌دهد. امام علی(ع) در نهج البلاغه در حکمت ۴۶۸ می‌فرماید: «کار به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز که ستم رعیت را به آوارگی وادار و بیدادگری شمشیر در میان آورد».

۳. عدالت در سطح قانون

در همه نظام‌های سیاسی، آزادی دارای حد و مرز است و آزادی مطلق در هیچ نظام سیاسی پذیرفته نیست. حد و مرزهای حاکم بر رفتار انسانی اصطلاحاً قانون نامیده می‌شود. قانون بیانگر محدوده آزادی بشر در نظام سیاسی است. اگر به مجموعه قوانین در اسلام نگاه کنیم می‌بینیم که یک سلسله احکام و قوانین مربوط به ارتباط انسان با خدا و حوزه زندگی خصوصی بشر، یک سلسله قوانین مربوط به حوزه سیاست، حقوق و فرهنگ وجود دارد. نیز یک سلسله قوانین در ارتباط افراد با جامعه است. بر خلاف گمان برخی که اسلام را فقط و فقط منحصر می‌کنند در اعمال عبادی و ارتباط فرد و خدا. اسلام در بر دارنده قوانین جامع برای زندگی فردی و اجتماعی بوده که ضمانت اجرای عدالت در اجتماعات انسانی است.

۳-۱. مفهوم قانون

کلمه قانون معنای بسیار عامی است که شامل قوانین تشریحی، اعتباری و قوانین تکوینی و حقیقی، هر دو می‌گردد. منظور از قانون در مسائل حقوقی و سیاسی قضایی است که «شیوه رفتار انسان در زندگی اجتماعی را بیان می‌کند». در حقیقت قانون مجموعه بایدها و نبایدهایی است که شیوه رفتار آدمیان را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند. درباره قانون، «حق» و «تکلیف» که دو مفهوم متقابل اند مطرح می‌شود. یعنی این که هر جا حقی جعل می‌شود، حتماً تکلیفی نیز جعل شده است. البته ممکن است جعل صریح فقط به یکی از آن دو تعلق گیرد اما به هر حال لازمه اش جعل دیگری نیز هست. ضمناً بایستی توجه داشت که حق «اختیاری» است و تکلیف «الزامی». کسی که در موردی حقی دارد می‌تواند از آن استفاده کند یا نکند. اما دیگران تکلیف دارند که حق وی را محترم بشمارند و از این تکلیف گریزی نیست (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

۳-۲. هدف قانون

هدف قانون در هر نظام حقوقی تابعی از هدف کلان نظام سیاسی آن است. بی‌شک یکی از وظایف مهم و اساسی هر حکومتی تنظیم و اجرای قانون است، اما هدف این قانون چیست؟ با توجه به هر مکتبی هدف قانون نیز متفاوت می‌شود به عنوان مثال، در مکتب لیبرالیسم هدف قانون برقراری نظم، امنیت و حفظ آزادی‌های شهروندی است. اصل در زندگی انسان‌ها آن است که در حوزه اجتماع هر کس هر کاری که بخواهد انجام دهد. گستره قانون محدود است و دولت حداقل دخالت را بایستی در زندگی مردم داشته باشد.

در این دیدگاه «آزادی» فوق قانون است و تنها در مقام تزامم آزادی افراد است که دولت دخالت می‌کند و قانون در راستای تضمین آزادی‌ها و رفع تراحمات وضع می‌شود. اما در نظام سیاسی اسلام اهداف قانون از دو دسته خارج نیست. در این نظام دولت باید مصالح مادی را تأمین کند و در این اختلافی نیست. لذا نظام سیاسی اسلام اهدافی چون حفظ نظم، امنیت و برقراری عدالت را دنبال می‌کند. اما در کنار اینها عالی‌ترین هدف قانون که در واقع ضمانت اجرایی است برای اهداف نوع اول (اهداف مادی) حفظ مصالح معنوی است. از دیدگاه اسلام قانون برای آن است که مسیر زندگی

انسان‌ها را ترسیم نماید و جامعه را به سوی مصالح مادی و معنوی هدایت کند. حاکم اسلامی هم کسی است که این مصالح را در جامعه وضع و اجرا می‌کند و از آنچه این قوانین را تهدید می‌کند جلوگیری نماید (نوروزی، ۱۳۸۰، صص ۶۱-۶۲).

منبع قوانین در این نظام قرآن است. این قوانین در مراحل مختلف و بنابر مقتضیات گوناگون بر پیامبر اسلام نازل شده و او آن‌ها را ابلاغ و اجرا می‌نمود. قوانین اسلام که بر این اساس معین و وضع شده دارای ویژگی‌هایی مانند، تناسب با مقتضیات فطری انسان‌ها، توجه به جسم و جان آدمیان نیز سازگار با سعادت انسان هستند (سبحانی، بی تا، ص ۸۶).

این قانون است که در جامعه خط مشی، وظایف و اختیارات نیز روابط میان اقشار مختلف اجتماع را معین می‌کند. اگر قانون در جامعه خوب اجرا شود قطعاً این جامعه در مسیر عدالت گام بر می‌دارد. چرا که قانون خوب ضمانت اجرای عدالت در جامعه است. پس قانون زیربنای نظام سیاسی است و اگر درست و بجا وضع و اجرا شود عدالت برقرار می‌شود.

۳-۳. ضرورت قانون

۳-۳-۱. ضرورت عقلی زندگی اجتماعی

بر اساس اندیشه اسلامی، انسان‌ها مدنی بالطبع هستند و بنابر نیازها و ضرورت‌ها، ناگزیر از تشکیل اجتماع هستند. چرا که نیازهای مادی و معنوی‌اش بدون زندگی جمعی تأمین نمی‌شود. از این روست که انسان در زندگی اجتماعی هدفی دارد و رشد و تعالی خود را در سایه زندگی اجتماعی می‌بیند. اگر زندگی اجتماعی نباشد معرفت‌های لازم را کسب نمی‌کند و تعلیم و تربیت انجام نمی‌گیرد. پس انسان‌ها ناگزیرند اجتماع تشکیل دهند تا بتوانند نیازهای ضروری و حیاتی خویش را در سایه آن به دست آورند (نوروزی، ۱۳۸۰، صص ۶۴-۶۳).

۳-۳-۲. وجود اختلافات در زندگی اجتماعی بشر

با توجه به آیه ۲۱۳ سوره بقره، انسان در زندگی اجتماعی با برخورد و تزاخم بین منافع افراد و جامعه مواجه است. یعنی وقتی مردم بخواهند با هم زندگی کنند، بین منافع و

خواسته‌های آن‌ها برخورد پیش می‌آید. با توجه به نظریه استخدام برخی که تواناترند می‌خواهند بر برخی دیگر غلبه کنند و یا درصدد کسب منافع بیشتر و بهره‌کشی از افراد هستند که این منجر به ظلم و بی‌عدالتی می‌شود. در چنین شرایطی است ضرورت وجود نظام حقوقی و قانونی مشخص و نیز وجود مجریان صالح و شایسته، به منظور حل و رفع منازعه و تعیین حق و تکلیف انسان‌ها در زندگی جمعی اجتناب‌ناپذیر است. طبیعی است اگر تزامنی نبود و هر کس آنچه را که می‌خواست می‌یافت، وجود قانون و حق و تکلیف ضرورتی نداشت (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۶۴).

۴. عدالت در ساحت کارگزاران

بدون شک انتخاب و انتصاب شایسته کارگزاران و مسئولین در یک نظام سیاسی و مدیریتی که مبحث اصلی این نوشته است، از عوامل اصلی موفقیت یک نظام سیاسی، اجتماعی و مدیریتی در جهت اجرای اهداف نظام سیاسی و خصوصاً عدالت می‌باشد. کسانی که مناصب حکومتی را در دست می‌گیرند، اولاً باید استعداد و لیاقت تصدی آن منصب را دارا باشند؛ ثانیاً باید درک درستی از حدود و اوامر الهی داشته باشند و رفتار و کردارشان مطابق با آن باشد. از این روی این ویژگی‌ها را می‌توان برای کارگزاران برشمرد.

۴-۱. اصلاح رابطه خود و خدا

در حدیثی مشهور از نهج الفصاحه آمده است: «مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَانِيَتَهُ وَ مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاءَ اللَّهِ ذُنْبَاهُ وَ مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ كَفَاءَ اللَّهِ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ» (مجیدی، ۱۳۷۴، ص ۵۶، حدیث ۳۰۵۱)؛ هر کس میان خود و خدا را نیکو سازد، خدا رابطه میان او و مردم را کفایت کند و هر کس باطن خود را اصلاح کند خدا ظاهرش را اصلاح کند و هر کس برای آخرتش کار و فعالیت کند خداوند برای دنیایش کفایت می‌کند.

سنت الهی به این است که به هر میزان رابطه آدمی با خداوند اصلاح شود رابطه انسان با دیگران نیز اصلاح خواهد شد. کارگزاری که این صفت را داشته باشد همواره در جهت رضای خدا و اجرای شریعت که همانا راضی نگه‌داشتن و خدمت به خلق

خدا است گام برمی‌دارد. بنابراین باید اصلاح رابطه خود و خدا را اساس قرار داد تا در امر مدیریتی نیز بتوان کارهای سخت و مسئولیت‌ها را با اعتماد و توکل بر خالق هستی انجام داد.

۴-۲. اصل رحمت و مودت

خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبرش (ص) می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷)؛ ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

همچنین در نهج الفصاحه آمده است: «إِرْحَمُوا وَ تَرَحَّمُوا وَ اغْفِرُوا يَغْفِر لَكُمْ»؛ رحم کنید تا بر شما رحم شود و ببخشید تا بخشیده شوید. و یا «أَيُّمَا رَاعٍ لَمْ يَرْحَمْ رَعِيَّتَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ»؛ هر حاکمی که رحم بر رعیت و زیردستان خود نکند خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند» (مجیدی، ۱۳۷۴، ص ۴۸، حدیث ۲۵۷۴).

با این توجه مشخص می‌شود که اگر کارگزاران بخواهند در کارشان موفق باشند باید رحمت و محبت محور مدیریت‌شان قرار گیرد. که این اصل می‌تواند بر تمام قلوب حکم‌فرمایی کند و در این صورت است که می‌تواند مسئولیت‌های خود را به خوبی انجام دهد و مردم نیز او را در این امر یاری می‌رسانند و اگر زمانی مشکلی در کارش افتاد همین محبت و رحمت باعث گشایش در کارهایش می‌شود.

۴-۳. شرح صدر

«شرح» به معنای باز کردن، گشادن و فراخی بخشیدن است. «شرح صدر» از الطاف الهی است که چون کسی دارای آن شود، بردبار، مقاوم و پرحوصله و توانا می‌گردد و می‌تواند سختی‌ها و مشکلات را تحمل کرده راه را به مقصد برساند. از همین رو است که وقتی حضرت موسی برای هدایت فرعون و قوم بنی‌اسرائیل مأمور شد نخستین چیزی که از خداوند خواست شرح صدر بود: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أُمْرِي، وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه: ۲۵-۲۸)؛ گفت: پروردگارا سینه مرا گشاده دار، کار مرا بر من آسان گردان و گره از زبانم بگشا.

با دقت در سیره نبوی هم این مسأله به روشنی خود را نشان داد و در دعوت آن حضرت نقش مهمی ایفا نمود. خداوند بارها پیامبرش را در برابر اهانت‌هایی که به آن

حضرت می‌شد به صبر و بردباری دعوت می‌کرد. رسول خدا همه سختی‌ها را با قلبی گشاده پذیرا می‌شدند و اگر کارگزاران یک نظام سیاسی از این ویژگی برخوردار باشند در هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات می‌توانند با صبر و تحمل از آن سختی‌ها عبور کنند و به مقصد و اهداف خود برسند. شرح صدر آثار و فواید فراوانی دارد که برخی عبارتند از: گشادگی چهره؛ عطوفت و مهربانی؛ صبر و بردباری؛ شکیبایی و فرو خوردن خشم؛ عیب‌پوشی؛ انصاف و عدالت؛ آرامش و وقار؛ که همه اینها باعث می‌شود کارگزار در انجام کار و مسئولیتی که دارد موفق شود و در نتیجه مردم هم به او اعتماد می‌کنند.

۴-۴. حق‌گرایی عدالت محوری

مهم‌ترین ویژگی کارگزاران عدالت و حق‌گرایی است: همچنان که قرآن نیز می‌فرماید: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۸۱)؛ و از آنان که بیافریدیم گروهی هستند که مردم را به حق راهنمایی می‌کنند و بدان وسیله به عدل و داد رفتار می‌کنند.

امام علی (ع) نیز در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «تحقیقاً بهترین چیز برای حاکمان اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است؛ و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه‌هایشان به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان». پس اگر زمامداران عدالت پیشه باشند قلب‌های مردم به سوی آن جذب می‌شود، و این تضمین‌کننده استحکام ارکان نظام سیاسی و پیوند محکم مردم با آن دولت است. عدل محوری و اعتماد مردم به نظام سیاسی باعث می‌شود که مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود راه‌های منطقی را انتخاب و طی کنند. یأس از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلافتکاری، تضعیف اخلاق عمومی و از هم‌پاشیدگی اجتماع سوق می‌دهد. نتیجه آن تزلزل در ثبات نظام سیاسی و دولت است. لذا از دید امام علی (ع) رعایت عدالت در سطوح مختلف نظام سیاسی نتایج مثبت فراوانی در پی دارد که این آثار برای رهبران عبارتند از: استقلال و توان؛ ناقد شدن احکام‌شان؛ ارزشمندی و بزرگ‌مقداری؛ بی‌نیازی از یاران و اطرافیان (تملق و

چاپلوسی)؛ مورد ستایش قرار گرفتن زمان حکمرانی آنان (الگو شدن)؛ بالا رفتن شأن و عظمت و عزت ایشان (علیخانی، ۱۳۸۸، صص ۱۰۶-۱۰۸).

آنچه از قرآن و روایات بر می آید این است که هیچ چیزی مانند عدالت از دولت‌ها محافظت نمی‌کند و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت، اقتدار و عظمت نظام سیاسی می‌گردد. مهم‌ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه متبلور می‌شود چرا که عدالت سبب انتظام امور مردم و جامعه است و هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند مردم را اصلاح و راضی نماید. اجرای عدالت مخالفت‌ها را از بین می‌برد. و عدم اجرای عدالت چیزی جز روی برگرداندن از خدا و اشاعه ظلم، فساد، بدبختی و یأس نیست. همچنان که خداوند در قرآن نیز بارها و بارها حاکمان را به اجرای عدالت فرا می‌خواند: «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»؛ هرگاه در میان مردم حکم می‌کنید باید بر اساس عدالت باشد (نساء: ۵۸).

۴-۵. رعایت امانت و اهلیت

ضرورت سپردن امور به افراد متعهد و متخصص از بدیهیات نظری مدیریتی است. بر هیچ کس پوشیده نیست که در امور مملکت‌داری و سیاست‌گذاری آسیبی که از ناحیه افراد غیر متعهد و غیر متخصص متوجه حکومت می‌شود کمتر از تهاجم دشمن خارجی نیست؛ زیرا در هنگام تهاجم بیرونی همه آماده دفاع از مرزها و باورهای خود هستند. اما در مقابل بی‌تعهدی‌ها و اعمال مدیریت غیر کارشناسانه چنین آمادگی وجود ندارد، بلکه چیزی همانند موربانه به جان حکومت افتاده و آن را از پا در می‌آورد. چه بسا چنین قصدی هم وجود نداشته باشد. ناکارآمدی را هیچ ملتی نمی‌پسندد بلکه همگان طالب کارآمدی حکومتشان هستند.

این حکومت و مسئولیتی که در دست کارگزاران است در واقع همانند امانتی است در دست اینها. از این رو باید نهایت تلاش خود را بنمایند که به آن هدف نهایی که همانا عدالت است برسند. چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهله‌ش بسپارید و چون میان مردم داوری کنید به داد داوری

کنید. «امانات» در این جا مفهوم گسترده‌ای دارد که می‌تواند شامل امانت‌های مالی و غیر مالی میان مردم و امانت‌های خداوند بر بندگانش باشد. تمام مناصب در قلمرو حکومتی امانتی است که به دوش کارگزاران است پس کارگزاران مسئولیت سنگینی بر عهده دارند.

۴-۶. طرد ریاست‌طلبی و محور بودن اطاعت الهی

تبعیت و اطاعت محصول الفت قلب‌ها و نتیجه محبت میان والی و رعیت است. در این گونه تبعیت و اطاعت، از استبداد، برتری‌جویی و ریاست‌طلبی از یک سو و نافرمانی و اطاعت کورکورانه خبری نیست. در این نوع از رهبری هدف فقط خدمت به خلق خدا در جهت رضای پروردگار است. حضرت علی(ع) در نامه ۵۳ می‌فرماید: باید بهترین امور نزد حاکم، حد وسط آن‌ها در حق، فراگیرترین آن‌ها در عدل و جمع‌کننده‌ترین آن‌ها در رضایت مردم باشد.

۴-۷. انضباط و جدیت

مدیریت بدون رعایت انضباط و فارغ از جدیت و تلاش مستمر هرگز به سامان نمی‌رسد و اگر چنانچه عناصر یک مجموعه خودسرانه یا سست عمل کنند، یا به موقع عمل نکنند شیرازه کارها از هم می‌پاشد. بسیاری از شکست‌ها و ناکامی‌هایی که که دامن‌گیر سازمان‌ها و جمعیت‌ها شده، از همین کانال بوده است. برای مثال شکست سپاه اسلام در جنگ احد ناظر بر همین مورد بوده است.

۴-۸. تصمیم‌گیری و مشورت

در مدیریت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است از آنجا که کارها با هم متفاوتند هرچه کارها بزرگتر باشند تصمیم هم به نسبت بزرگی کار از اهمیت بیشتری برخوردار است. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ در کارها با آنان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی قاطع باش و بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

در این آیه به کارگزاران توصیه شده که مشورت کنند و پس از این که تصمیم گرفتند از تصمیم خود بنگردند و بر خدا توکل کنند. البته در امر تصمیم‌گیری کسب اطلاعات و شناخت از مقدمات است و این هم بر می‌گردد به تخصص و تعهد کارگزاران که اگر کارگزاران از تخصص برخوردار باشند می‌توانند تصمیمات درستی اتخاذ کنند. امیر مؤمنان در نامه ۲۳ به مالک می‌فرماید: «با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه در آنچه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده‌اند را برقرار».

۴-۹. وفای به عهد و پیمان

اگر کارگزاران بخواهند در کار و مسئولیت خود موفق شوند چه در محیط دامن و چه خارج باید به عهد و پیمانی که می‌بندند پای‌بند باشند. و عدم وفا به عهد و پیمان باعث بی‌اعتمادی و بدبینی بین مردم و کارگزاران می‌شود. همچنان که در قرآن می‌خوانیم: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴). به عهد و پیمان خود وفا کنید که از آن پرسش می‌شوید. پس هنگامی که حکمران قول می‌دهد یا پیمانی می‌بندد باید به آن وفادار باشد.

۴-۱۰. نصیحت و انتقاد متقابل

در نظام اسلامی مردم و زمامدار از حقوق متقابل برخوردارند و در نظام سیاسی اسلام مردم می‌توانند حاکمان را نقد کنند و حاکمان نیز مردم را به چیزهای خوب رهنمون و نصیحت می‌کنند. همچنان که امیرمؤمنان هم یکی از وظایف کارگزاران را نصیحت و ارشاد مردم می‌داند و نیز بر مردم هم حق نقد کارگزار و حکومت را باز گذاشته است (ر.ک: جمعی از محققان، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸).

با توجه به آنچه آمد روشن است که ایجاد یک نظام سیاسی کارآمد و با ثبات بسته به وجود کارگزاری است که دارای ویژگی‌های معنوی و اخلاقی برتر، همچنین برخوردار از تخصص، شایستگی و تعهد باشند. در این صورت است که عدالت در جامعه جامه عمل می‌پوشد و نظام سیاسی و افراد جامعه به هدف نهایی می‌رسند.

جمع بندی و پیشنهادات

اساس حاکمیت و حکومت در قرآن عدل است. در جای جای آیات قرآن در مورد نصب افراد شایسته در یک نظام سیاسی و مدیریتی در جهت اجرای درست قانون الهی و رسانیدن مردم به عدالت اجتماعی و سعادت دنیوی و اخروی تأکید فراوان شده است. نمونه بارز این گونه افراد، پیامبران و امامان هستند که قرآن با بیان ویژگی‌های این افراد در طول زمان مدیریت‌شان و چگونگی اجرای قوانین در جامعه، به ویژه عملکرد پیامبر اسلام (ص) در هدایت و نجات قوم عرب از یک زندگی جاهلی و رسیدن به پیشرفت‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی نمونه بارز این گونه افراد است. لذا اگر نظام سیاسی عمل به عدالت و ابعاد گوناگون مطرح شده را سرلوحه خود قرار دهد، این هدف باعث بقا و قوام جامعه و نیز پایداری حکومت است.

در همه منابع و اندیشه‌های اسلامی عمل به عدالت مایه تثبیت و استحکام نظام سیاسی به شمار آمده است. حضرت علی (ع)، عدالت را در مقام شخصیتی و عملی فضیلت سلطان، سپر نگه‌دارنده دولت‌ها، مایه اصلاح رعیت، باعث افزایش برکات، مایه حیات احکام و مأنوس خلائق دانسته و حکومت را مشروط به عدالت‌گستری و نظام آفرینش را مبتنی بر عدل می‌داند از این دیدگاه ملاک حکمرانی عدل و قوی‌ترین بنیان عدالت است بنیانی که قوام عالم به آن است.

عدل محوری در نظام سیاسی باعث می‌شود که نیروهای سیاسی، اداری و مردم به آنچه می‌خواهند برسند و برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود راه‌های معتدل و منطقی را انتخاب و طی کنند. یأس از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلافت‌کاری، تضعیف اخلاق عمومی و از هم‌پاشیدگی اجتماعی سوق می‌دهد، که نتیجه آن تزلزل در ثبات نظام سیاسی و دولت است. ایجاد یک نظام سیاسی کارآمد و با ثبات مستلزم وجود کارگزارانی است که دارای ویژگی‌های معنوی و اخلاقی برتر، همچنین برخوردار از تخصص، شایستگی و تعهد باشند.

همچنین رعایت عدالت در سطوح مختلف نظام سیاسی یعنی در سطح قانون، کارگزاران و ساختار نتایج مثبت زیادی در پی دارد. این آثار برای رهبران جامعه اسلامی موجب پیاده شدن هر چه بهتر احکام در سطح جامعه، عمل به دستورات الهی، نافذ

شدن حکم حاکمان و رعایت حقوق فردی و اجتماعی در جامعه، استقلال و بالا رفتن توان و قدرت نظام اسلامی، عامل وحدت در جامعه اسلامی و برخورداری مردم از امکانات موجود در جامعه به نحو خوب نیز به وجود آمدن اعتماد و همکاری متقابل در سطح نظام و جامعه است. هیچ چیزی به اندازه عدالت و نصب افراد لایق و شایسته در نظام مدیریتی، نظام حکومتی را قدرت و بقا نمی‌دهد. با توجه به مباحث مطرح شده و اهمیت موضوع پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

الف) در یک جامعه حداقل امکانات جهت رسیدن افراد به استعدادها و توانایی‌ها وجود داشته باشد.

ب) مناصب و مشاغل موجود در جامعه در بین افراد بر اساس لیاقت، استعداد و شایستگی تفکیک و تقسیم شود.

ج) جهت کارآمدتر شدن نیروهای متخصص و مدیران شاغل در ادارات در طول دوره خدمت نیز کارگاه‌ها و آموزش‌های مورد نیاز ترک نشود.

د) تجربیات و تخصص‌های اداری و مدیریتی از طریق تبادل اطلاعات و همکاری با سایر ارگان‌ها و حتی سایر کشورهایی که روند توسعه و پیشرفت را طی نموده‌اند، ترک نشود و از تجارب موفق دیگران در زمینه‌های علمی و تخصصی روز بهره گرفته شود.

ه) شاید یکی از راه‌کارهایی که کمتر مورد توجه نظام سیاسی، اداری و مدیریتی کشور قرار گرفته و اهمیتی از نظر دور مانده، تشویق افراد لایق و کاردان، و در مواردی تبیه افراد خاطی است، که خود منجر به افزایش توان و تخصص افراد و نیز مسئولیت‌پذیری و دلگرمی در کار را به همراه دارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱)، *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- جمعی از محققان (۱۳۸۶)، سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (بی تا)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: نشر فرهنگ اسلامی.
- راغب اصفهانی، محمد (۱۳۷۲)، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم.
- سبحانی، جعفر (بی تا)، خدا و پیامبر و اسلام، تنظیم و نگارش: رضا استادی، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- شریف رضی، علی بن محمد (۱۳۷۵)، نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، نظام سیاسی عدالت در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۳) آئین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- مجیدی، غلام حسین (۱۳۷۴)، نهج الفصاحه، قم: انصاریان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۴)، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، عدل الهی، تهران: صدرا؛ چاپ دهم.
- مهریزی، مهدی (۱۳۷۶)، «عدالت به مثابه قاعده فقهی» فصلنامه نقد و نظر، تهران: رسالت، سال سوم، شماره ۲.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۰)، نظام سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم.